



روزنامه مراسم فرموده

ارودی همایون شنبه بیست و هشتم خاطر آفتاب مظهر ملکانه نیزه حکامه چهل چشمه عزم تفریح فرموده عطف غمان فرود می نشان بانسانا
 نمودند در شای راه همسایه تسلطه و شیرالدوله خطامات مکانه مابیت داشتند کت را بر حسب حکم هایون حسن ار شده بود و اردو
 سپه آرا گشته بحضور خورشید ظهور تشریف جنت بمصب جیل ورتبه نعل کشیک باشی که از مناصب رفیده فاضله درباری است شرف اشخاص
 یافت عصر بلا خط نقل و وضع و ترتیب نصب خدام کردون چشم و اسلوب چادرهای رودی سعادت پوی شریف فرمای آن ساعت شدند شاهان
 تیمور میرزا که در روز بارودی همایونی وارد شده بود هر روز تقبیل رکاب نصرت انساب شرف اندوز گردید محمد الملک امین حضور و بعضی شرفین
 هایون حاضر خدمت بودند علاءالدوله فرزند شایسی و تقی باشی ناصر الملک حاجی شهاب الملک که در پیش محض تین محل سوار پرده هایون و نیز
 خدام ایلی اردو باین بورت مامور بودند تقبیل رکاب حضور شرف شدند

یکشنبه بیست و نهم در سر پرده جلالت توقف فرموده اکثر روز را بمطالعہ عرایض و نوشتهای حکومتی و اصلاحیه با بهره ناصری خاطر اندک سس اشفاق
 معروضات و مرقومات مهمه وزارت امور خارجه و بعضی عرایض دیگر از لای نظرات نور که شت جواب هر یکسار بیجا جلالت عرصه و ریاست
 و در شنبه سلج صبح با تیز خاطر مبارک میل سواری فرمودند از راه گردنه امام جهنک لا عبور نموده در کت اردو خانه در سایبان نایار کاغذ
 در و در ایانی فرموده با ترحم و آسایش صرف نایار تا هنگام عصر توقف و پشت در مروت بارده اسپه از فرمان فاضله سواد
 که پیش میرفتند با اطلاق فرود آمد اسیر بازو جمعیت زیاد و تدبیرات کوناگون در سر و کت کشیدن اسب از گل و لای دیبا هوی
 آن از دحام و وضع رکاب و مرکوب لمجن عشته مشاهدان حال خالی از ناسا و غربت نبود

روز سه شنبه غره سب آلی اردوی و اولاد موکب معلا از شاه یورنی چهل چشمه تحمل فرمود که رودخانه محلی مناسب نایار کاغذ سایبان
 افزاشته بودند بصرف نایار نزول اجبال فرمودند شیرالدوله در پیشگاه خلایق پناه شرف اندوز گردید در قصد و احکام نظام راجه
 با مور مهمه وزارت شانه عدلیه و کلیم و تقیم بعضی عرایض دیگر با صفای خطا با و استی دستور بهیای مکانه سوار فرزند پاره
 عرایض و نوشتهای لازمه متعلقه با امور حکومت و اصلاحیه با بهره ناصری و معروضات مهمه وزارت مایه و غیره برض همایون رسید
 هر یکرا جدا گانه از توقف جلالت محلی قضایا شتمال شرف صدور پذیرفت پس از آن سوار گشته عطف غمان نصرت نشان بسز پرده هایون با
 داسایش میل فرموده

چهارشنبه دهم در منزل توقف فرموده بعضی جنب از کلمات مجدد و فرمان رسید به خاطر مبارک نوشتهای فرمان و صدور احکام
 قدر نظام بحسام تسلطه نشان

پنجشنبه سوم شیرالدوله وزیر عدلیه و وظایف و اوقاف بحضور رحمت ظهور شرف بسته برخص بهار اختلافه با بهره ناصری گردید که در طلب
 اشظام امور محوله بخود شود گماشته کیرخان مندکس ساوی و عبا تقیان سوار لاریکانی که در روز قبل و از اردوی حضور گشته امروز
 بحضور فراری یافته در خصوص ساختن راه امل که سبب سهولت جهت عبور ترددین و عابرا تسهیل رعایا و غیره چاشند قرابتهای علییه

دستور العملی حکایت نمودند **تتمه المملکت** چون پوسته بود فرودست و ظهور صدق و حسن عقیدت خاطر نظر اقدس مهابون را از خود خرد
 و خشنود داشته و میزد و محض شمول رحمت و بروز کرمت حکانه منصب جلیل وزارت مخصوص که از مناصب رفیعه دربار سپهر اقدار است بمقتضی
 اخصاص یافت و عطای کتفه کل کرکعلی بالاس از خانه خاصه نزد آن مکارم و مرام هم بی پایان مرحمت شد و دستخطها صفا صفا صادر یافت
 که کتفه عرایض و نوشجیات حکام و ولایات و غیره از عزیزی و کلی متوسط مطمئن بود از لحاظ نظر خوشی و حضرتت حدس شایسته ای خداوند
 کز زود و ناکید بلوغ فرمودند که سببیک از آحاد و افراد در برای نیاید از این حکم حکم تخلف و انحراف و در نزد عصرا روز در منزل مستی المملکت زیر قضا
 با حضور و میان دارگان ردوی کردن شکوه دستخط آفتاب مطهر مبارک خوانده گشت و مبارکباد و احترام منصب
 و غلت شیرینی و شربت صرف شد

روز جمعه چهارم میل سواری فرمودند از دره سمت غربی اردوی سعادت بوی صورت موسوم ببارم علیا شریف بردند بعد از تفریح اطراف چوق
 ناپرسیدند با رتبه رفیع برده در میان جلالت رحمت نموده تا عصر نشستات مخرم را اجرت تمام حضرت لزوم قریب فرود می و حجت فرمودند چنانکه
 شریف زمانی بار دو حکیم المملکت که حامل نوشجیات و عرایض نظام المملکت نین قرخان با کوسا امور متعلقه در قرخانه مبارک بود در شرفیاب
 تقبیل رکاب حضور کردید

روز شنبه پنجم در سایبان مخصوص که در سرچشمه جنب برآمده بمایونی نصب شده بود صرفت ناما فرموده عرایض و نوشجیات و زار شایمانا
 از لحاظ نظر مبارک گذشت

روز یکشنبه دوشنبه ششم و هشتم علی اتوالی خاطر مهابون مشغول با حفظ و مطالعه عرایض مستدعیات قدم بود و جایگزینان احوال نامی از شهر
 تقبیل آستان مبارک شاهنشاهی مهابی گشت عرایض و زار شایمانه جنگ را خیمه مشغل مستکرمه خاطر مهابون نمود جواب هر یک را
 بخطابات کافیه القافیه فرمودند و احکام مطاعه شرف صدور پذیرفت حکیم المملکت و جایگزینان از یکجا حضور استبدان حاصل
 کرده بشهر معاودت نمودند تیمور میرزا از موکب و الامرخص گشته چند روزه بلو اسان رفت این دور روز با دای صعب سخت میزد
 چنانچه پشته خیام ای اردو بعضی پاره و بعضی گسده شد

در شنبه ششم محض امتزاز خاطر اقدس و تفریح اطراف و اکثاف اردو سوار گشته باندک مسافتی از اردو جانی با طراوت و حضرت
 سایبان ناما رگاه را از پیشته بودند بیا د کرده پس از صرف ناما بلا حفظ عرایض معتبره المملکت و غیره مشغول شدند و جواب ناما
 بزایشهای حکانه ادا گشت پس از آن سوار گشته قدری در آن چنهای خرم و کوسا رکشس قریب فرموده بار دو معاودت نمود
 چهارشنبه نهم مغزالدوله بهرام میرزا از حکومت عربستان مرجهت نموده باستان مهابون مشرف گردید و در مراجع حکانه گشت خان محقق که حامل
 مستدعیات حضرت آلدوله و زرجکت بود و باستان بوسی برهنه ز گشته خاطر مبارک مطالعه و ملاحظه آنها اشتغال داشت با دعت میزید با اجمال صرف خاطر
 مبارک از غوررسی عرایض فرمودند همه را بطحاظ مبارک گذرانیده دستور العملی حکانه و دستخطهای قضا امضا فرموده و ریافت

بقیه شرح حال روین چون چنانچه در روزنامه سابق مرقوم شد سایر اطفال فریاد و فغان برداشته که اکثر از فرطین سیم با تو خواجهیم آمد ناما
 کتم حزم و حشمت با مقضی نیت که همه دفعه واحده حرکت نایم بکوری صواب قضا می آن نمید که بعضی متوقف در منزل باشیم و برخی در گت
 و بعضی مکانی بترا زین محل و محبت حالات رفقای غیبی بگویند حسن این تدبیر آن است که حادثه از برای بی از این جمیع روی و بدان دسته که
 در دارک رفع آن باشند و اگر خدای خواسته دسته تلف شوند دسته دیگر خلاص باشند خاندانی بی خطی در معرض زوال و فنا باشد بناچار
 بهتر است که شما در نزد ما در وقت نایم من و فرطین خواهم رفت شاید محلی پیدا کنیم که آسایش و معاش ناما بهتر شود و فرطین چون
 خود از فریق سفر من بی در نهایت محبت و کمال شکر ساری که فکرت خود را بکست زده و بکست بود اظهار نمود که اگر رضعت بدید فکرت
 دیگر با خود بردارم من چون حالت عجز زنده تویی او را ملاحظه نمودم بروی ترختم نموده دیگر کا شمش نمودم با کساده روی و بی پشت کفتم
 البته فکرت دیگر که شمای خوبی و فغانست را در دبر دار بعبلاوه بکزد و چ طمانچه بر میان استوار کن و تبری که حربه معتبره طاقان است در
 کبر قدر ضرورت بار و طو و کلله تهیه ما شاید حادثه روی و بچ قبل از حرکت ما در اطفال ما حضری از اطلاع موجود نموده پیش آورد و من
 قدر حاجت و کفایت صرف غذا نموده فرطین حرکت عجلت و شتابی داشت و پیوسته میگفت بهتر آن است پیش از آنکه حرارت هوا قوت بگیرد و وقت
 که تا نصف پذیرد باید حرکت نمود تا آنکه سبب حرارت بسامت باشم تصدیق او کرده بار از اسپس از سفارش بسیار و واع نموده براه چنتا دم
 رئیس کل در اطفاله مالک محموده ایران صنایع آلدوله
 مجمع